

واکاوی شاخص های اعتدال در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

رضا محموداوغلی^۱

چکیده:

اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره) متأثر از عقاید و شناخت ایشان در حوزه های فقهی، کلامی، عرفانی و فلسفی با هویتی اسلامی می باشد. این اندیشه که از جامعیت و انسجام منطقی برخوردار بوده و توانسته به شکل دهی و پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس و تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی منتهی شود، می تواند همچنان شاخص مناسبی برای ارزیابی درستی مسیر حرکت و کنش ها و اقدامات امروز باشد. از طرف دیگر با توجه به بحث های پیش روی جوامع اسلامی در رابطه با نوع حکومت و جایگاه مردم سالاری دینی در نظام حکومتی به نظر می رسد که شناخت اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مفهوم اعتدال ضرورت دارد. سوال این پژوهش این است که شاخص های اعتدال در افکار و اندیشه سیاسی امام (ره) چه جایگاهی دارد؟ نتایج تحقیق نشان داد که اعتدال و قسط در اندیشه و سیره امام خمینی جایگاهی مهمی دارد به گونه ای که می توان والاترین آرمان و خواسته امام خمینی را تحقق عدل و قسط و اعتدال در امور و مبارزه با ظلم و ستم دانست. اعتدال در اندیشه امام در ساحت اندیشه و تفکر اسلامی مطرح می شود. در این چارچوب حضرت امام خمینی (ره) با پیراستن افراط گری ها و تفریط گری ها در اسلام، اسلام معتدل را همان اسلام ناب محمدی می داند که تجلی عینی آن در نظام جمهوری اسلامی به ثمر نشسته است.

کلید واژه ها: اعتدال، عدالت، انقلاب اسلامی، اندیشه سیاسی

مقدمه:

مبانی فکری و اسلامی نظام جمهوری اسلامی را باید در اندیشه های حضرت امام جستجو کرد. امام خمینی (ره) بعنوان معمار کبیر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از جمله رهبرانی هستند که هم در قامت ایدئولوگ انقلاب و نظام ظاهر شدند و هم در قامت رهبری نظام ساز. از این روست که نظام مقدس جمهوری اسلامی با مجموعه اصول و نهادهای آن میراث و تجلی عینی اندیشه ایشان است. یکی از مهمترین مفاهیم کلیدی اندیشه های امام، اعتدال در امور است. امام خمینی (ره) به عنوان فقیه

^۱ استادیار دانشگاه محقق اردبیلی و دکتری علوم سیاسی email: r_oghli@yahoo.com

عالی‌قدر و بیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، اساس کار خود را اسلام قرار داد و در همه‌ی عرصه‌ها، بر موازین و اصول اسلام جامه‌ی عمل پوشاند. یکی از برجسته‌ترین اصولی که ایشان در همه‌ی عرصه‌ها، به‌ویژه سیاست و حکومت تحقق بخشید، اصل رعایت اعتدال بود. لذا برای فهم صحیح مفاهیمی چون آزادی و اعتدال باید به اندیشه‌های ایشان رجوع کرد تا نسبت این مفاهیم با چارچوب اندیشه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی مشخص گردد. امام خمینی باهمین اندیشه انقلاب عظیم اسلامی را در ایران پایه‌گذاری کرد و در مخوف‌ترین شرایط حاکمیت طاغوت، تحت ولایت الهی به قیام علیه طاغوت برخاست و با اندیشه آزادی از سلطه طاغوت و مستبدان ستمگر و از طریق آگاهی‌بخشی به توده‌های جامعه و ایجاد وحدت سیاسی و اجتماعی میان آحاد مردم، با کمک آنها توانست حکومت طاغوتی پهلوی را سرنگون کند و زمینه را برای ایجاد یک جامعه توحیدی فراهم آورد. ضروری به نظر می‌رسد تا با رجوع به این مفهوم در آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، معنای این مفهوم نزد ایشان و نسبتش با آراء ایشان روشن تر گردد. لذا هدف پژوهشگر در مقاله حاضر این است تا مفهوم اعتدال را در اندیشه و سیره عملی امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار دهد.

مفهوم شناسی اعتدال:

معنای لغوی اعتدال، رعایت حد وسط و میانه در بین دو حال از جهت کمیت و مقدار و از جهت کیفیت و چگونگی است. همچنین اعتدال به معنای توازن و تعادل در مقدار، هموزنی، برابر بودن دلایل و برابری و یکسانی در کم و کیف نیز می‌باشد. از اینرو، اعتدال به معنای میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط یا تندروی و کندروی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۴). «اعتدال» مهم‌ترین خواسته و بنیادی‌ترین آرمان آدمی است. این آرمان از عالی‌ترین ارزش‌های حاکم بر اندیشه و زندگی انسان می‌باشد. بشر عاقل و اندیشمند همیشه از اعتدال و میانه روی سخن گفته است و در تلاش برای تحقق آن در جامعه خود بوده است. میل به اعتدال، گرایش به قسط و عدالتخواهی و قسط‌طلبی امری است برخاسته از نهاد و طبع درونی انسان و به تعبیری در خمیر مایه او رسته شده است.

اعتدال ریشه در نهاد بشر دارد و انسان همانگونه که گرایشهای فطری چندی نظیر حس محبت و مهرورزی، حس زیبایی‌طلبی، حس پرستش و خداگرایی و... دارد، دارای گرایش و احساسی است که با وجود او سرشته شده است و این احساس یا گرایش اعتدال و تمایل به ایجاد تعادل در جوامع بشری است.

بررسی همه‌جانبه آموزه‌های الهی و گزاره‌های دینی در دین مبین اسلام به خوبی نشانگر این حقیقت است که اسلام، نظام عالم را که نظام احسن است و به‌عنوان نظامی اعتدالی معرفی می‌نماید و انسان را در تمامی ابعاد و عرصه‌های زندگی، به تعادل و اعتدال، دعوت میکند و او را افراط و تفریط باز می‌دارد و بر این اساس میتوان گفت که اسلام، مکتب اعتدال است.

آنچنان که پیامبر اکرم (ص) میفرماید: " خیر الامور لوسطها؛ بهترین امور، حد وسط و میانه و حالت اعتدال آنهاست (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۸۳).

«اعتدال» عامل وحدت جامعه بشری و اجتناب از اختلاف و پراکندگی است. در جامعه معتدله یا مبتنی بر قسط نشانه ای از اختلاف، فتنه و آشوب دیده نمی‌شود. ولی در جایی که اعتدال وجود ندارد، تبعیض حاکم است و تبعیض منشأ عمده فسادها و اختلافات در جامعه است. جامعه مبتنی بر تبعیض جامعه نامتعادل و ناهمگون است.

پیامبران الهی نیز برای تحقق قسط و عدل - همراه با توحید - برانگیخته شدند و انزال کتب و میزان نیز در همین راستا صورت گرفته است:

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزل معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس...» (الحديد آیه، ۲۵). «هر این فرستادگان خود را با نشانه‌های آشکار فرستادیم و همراه با آنان کتاب و میزان را نازل کردیم تا اینکه مردم به قسط قیام نمایند و آهن را فرو فرستادیم، [که] در آن سختی شدید و سودهایی برای مردم است...».

بطور کلی اعتدال در قرآن بیانگر مفهومی گسترده چون رعایت اعتدال و استقامت و تسویه در امور، حالت و پذیرش درونی، امری فطری و مخمور در وجود آدمی، میزان، برابری و انصاف و... می باشد ولی مهمتر از همه رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط و حرکت در مسیر حنیفیت و مطابق فطرت است. از این دیدگاه عدل می‌تواند صفت و خصات افراد انسانی باشد و هم حالت و ویژگی گروهها و نیروهای اجتماعی و هم خصات نهادهای اجتماعی. از نظر قرآن عدل از صفات حق، جنود عقل و بخشی از فطرت انسانی است و عالم هستی بر پایه آن در حرکت و جریان است.

میان روی و اعتدال، یکی از خطوط برجسته جهانبینی توحیدی است که بر همه شؤون و ساحت‌های حیات، سایه افکنده است و نه تنها تشریحاً، بلکه تکویناً نیز آفریدگار توانا و حکیم به مقتضای حکمت بالغه خویش، نظام هستی را بر پایه اعتدال و تعادل آفریده و براساس تناسب و توازن، استوار ساخته است. برای نمونه در سوره رحمان که می‌فرماید: " و السماء رفعها و وضع المیزان " یا در سوره قمر که می‌فرماید: " انا کل شیء خلقناه بقدر " (رحمان، آیه ۷)..

تعبیر اعتدال، اعتدال و قسط به این معنا و مفهوم در بسیاری از روایات و احادیث پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) آمده است. برای نمونه در کلام زیبای امیر مؤمنان علی (ع) عدل به معنایی گسترده یعنی وضع و قرار دادن هر امری در موضع و جایگاه خودش (رعایت استحقاقها، انصاف و ...) و در عین حال بعنوان یک عامل نظام بخش و یک خصات سامان بخش اجتماعی و سیاسی معرفی شده است:

«العدل يضع الامور مواضعها... والعدل سانس عام...» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۹).

«عدل عبارت است از قرار دادن هر امری در جایگاه و موضع خودش» بدین معنا که عدل در درون فرد و در درون جامعه ایجاد اعتدال و تعادل، نظم و سامان می‌نماید و از افراط و تفریط برحذر می‌دارد. استعدادها، لیاقت، کارایی، توانمندی و... از شاخصه‌های علم تحقق اعتدال در این معنا هستند. لذا دو عنصر انصاف و استحقاق در نفس مفهوم اعتدال وجود دارد و لذا اعتدال خود فضیلتی است برتر از هر فضیلتی دیگر.

امام علی (ع) در اولین خطبه حکومتی پس از تصدی خلافت میفرماید: «الیمین و الشّمال مصلّة، والطّریقُ النّوسطی هی النّجاه؛ چپ و راست گمراهی، و راه میانه، جاده مستقیم الهی است» (نهج البلاغه کلام ۱۶). همچنین امام علی (ع) میفرماید: خیرالأعمال اعتدال الرّجاء و النّخوف؛ بهترین کارها مساوی بودن ترس و امیدست (نهج البلاغه حکمت ۷۰).

در بیانات رهبر انقلاب اسلامی نیز به اعتدال به معنای رعایت حد وسط و میانه روی اشاره و تأکید شده است: «اعتدال هم که می گویند، از این واژه [عدل] است؛ یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپ روی و بدون راست روی. این هم که می گویند عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود، به خاطر همین است. یعنی وقتی هر چیز در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به وجود می آید» (آیت الله خامنه ای، ۲۰ آبان ۱۳۸۳).

رئیس جمهور نیز در این زمینه بیان می کند که «تفکر اسلامی و شیعی بر اساس عدل و اعتدال است ... اعتدال هم روش و هم راه است. اعتدال هم مسیر و هم مقصد است. اعتدال بدون عقلانیت، فاصله گرفتن است. شعار، بدون علمگرایی و استفاده از تجربه بشری، بدون تحول گرایی در کنار ثبات و آرامش، بدون آرمان گرایی در کنار واقع گرایی و بدون اخلاق و آداب و سعه صدر و آزادی امکانپذیر نیست» (روحانی، ۱۲ تیر ۱۳۹۲).

از اینرو، اعتدال رابطه و نسبت استواری با اعتدال و قسط از یک سو و توازن و تعادل از دیگر سو دارد. به طور کلی اعتدال به دو صورت سلبی و ایجابی تعریف میشود. در معنای سلبی، اعتدال به معنای نفی افراط و تفریط و پرهیز از این دو حد میباشد. در سیاست نیز اعتدال معمولاً به صورت سلبی تعریف و تلقی میگردد. در سیاست خارجی نیز بر همین اساس، اعتدال به معنای نفی و پرهیز از گفتمانهای سیاسی افراطی و تفریطی تعریف می شود. به گونهای که اعتدال را میتوان به صورت نفی پادگفتمانهای معارض آن یعنی گفتمان سازش و گفتمان ستیزش یا گفتمان آرمانگرایی تخیلی توهمی و گفتمان واقع گرایی انفعالی تعریف کرد. اگرچه، بر مبنای اصل منطقی «تعرّف الأشياء باضدادها؛ چیزها با توجه به اضدادشان شناخته می شوند». گفتمان اعتدالگرایی در سیاست خارجی را میتوان بر پایه نفی پادگفتمانهای افراطی و تفریطی تعریف کرد، ولی فهم دقیق این گفتمان مستلزم تعریف آن به صورت ایجابی و مثبت است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۴).

جایگاه اعتدال در دیدگاه امام خمینی:

امام خمینی (ره) اعتدال را یکی از مهمترین ارزشهای جوامع بشری در همه اعصار و مکانها می داند. تأکید و تکرار ایشان بر مفهوم اعتدال و مضامین نزدیک به آن در آثارشان گواه آن است که از یک سو اعتدال در نزد امام دارای ارزش زیادی بوده و از سوی دیگر مواردی همانند ظلم، جور و... به شدت مورد نفی واقع شده اند.

اعتدال و قسط در اندیشه و سیره امام خمینی جایگاهی بس والا دارد به گونه ای که می توان والاترین آرمان و خواسته امام خمینی را تحقق عدل و قسط و مبارزه با ظلم و ستم دانست. بررسی آراء و افکار امام خمینی بیانگر این است که عدل بنیان و اساس اسلام و بعلاوه مقصد آن است. حکومت برای تحقق عدل و قسط بوجود می آید وضع و اجرای قوانین بر اساس اعتدال صورت می گیرد و

سیاست و راه بردن جامعه بر اساس موازین عدل و قسط می‌باشد. و بر همین اساس تحقق و اجرای اعتدال امری اجتناب‌ناپذیر است که باید سرلوحه هدف تمامی افراد و گروهها و نهادهای سیاسی و اجتماعی باشد.

از دید حضرت امام اعتدال نه تنها کیفیتی نفسانی است که انسان را به رعایت تقوا و پاکی و انجام واجبات و ترک محرّمات می‌خواند بلکه دارای بعد گسترده اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نیز هست. و لذا فضیلتی است که به نهادها، گروه‌ها، شؤن اجتماعی و جامعه نیز تعلق می‌گیرد. و جامعه را به سامان می‌آورد و دنیا را اصلاح و سعادت دنیایی و اخروی فرد و جامعه را تأمین می‌نماید. به تعبیر حضرت امام(ره) با ایجاد اعتدال و قسط در جامعه «انسان» ساخته می‌شود. انسانی که در مسیر حنیفیت و صراط مستقیم حرکت می‌کند.

بطور کلی تعاریفی که از مفهوم اعتدال اجتماعی در تفکر امام در این مطالعات دیده می‌شود عبارتند از:

- اعتدال اجتماعی به معنای بر هم زدن سیستم ناعادلانه‌ای است که محرومیت توده‌های عظیم مردم را در بردارد.
- اعتدال اجتماعی به معنای توازن و کاهش فاصله‌های فاحش طبقاتی.
- اعتدال به معنای مساوات و رفع تبعیض‌های ناروا در بین آحاد جامعه.
- اعتدال به معنای انصاف.
- اعتدال اجتماعی به معنای مراعات شایستگی‌ها و اعطای حق هر صاحب حقی به خودش.

- اعتدال به معنای اعتدال و رعایت حد وسط در امور .

امام خمینی نسبت به اعتدال، قسط و عدل با دیدی گسترده و همه‌جانبه نگرسته و آن را از زوایای گوناگون مورد توجه قرار داده است.

امام(ره) صفاتی چون عدل، شجاعت و حمیت را نقطه اعتدال می‌دانستند و ظلم، ظلم پذیری، بی‌پاکی، حرص، ریا و ترس را مورد نکوهش قرار می‌دهد. بنابراین عدل، شجاعت را به‌عنوان حد وسط و در به معنای اعتدال در نظر می‌گیرند.

امام با استناد به دو آیه قرآن نگاه اعتدالی را مورد توجه قرار می‌دهد. یکی آیه شریفه‌ای است که بحث خلقت انسان را مطرح می‌کند «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ: [که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم». (التین / ۴) امام با استناد به این آیه می‌فرماید: انسان در نیکوترین اعتدال آفریده شده‌است که طبیعتاً نقطه مرکزی اعتدال به‌شمار می‌آید.

آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولَ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءٌ بَيْنَهُمْ نَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَآءُ فَارَزَّةٍ فَاسْتَعَاظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْفِهِ يَغِيبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيبَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا: محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت‌گیر [او] باهمدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است این صفت ایشان است در تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا]

کافران را به خشم دراندازد خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آموزش و پاداش بزرگی وعده داده است» (الفتح/۲۹) آیه دیگری است که امام با استناد به آن مفهوم اعتدال را مورد توجه قرار می‌دهند.

امام (ره) بعنوان یک اسلام شناس برجسته نگرشی جامع به اسلام داشتند. ایشان از سویی نگرش‌های افراطی اسلامی را که یا چهره‌ای خشن از اسلام را معرفی می‌کنند و طوری وانمود می‌کنند که اسلام یا با نیازهای جدید جامعه مسلمانان سازگاری ندارد و یا حتی معتقد اند که اسلام اساساً فراتر از دستوراتی در حیطه زندگی فردی نمی‌رود، کاملاً نفی و طرد می‌نمایند. ایشان از سویی دیگر با تفکرات تفریطی سکولار و غربزده‌ای که توانایی اسلام را در اداره امور جامعه انکار می‌کردند، نیز به مقابله پرداختند. نگرش امام (ره) به اسلام نگرشی جامع است، نگاهی اعتدالی به اسلام که توانایی نظام‌سازی و اداره جامعه را دارد.

امام انقلابی اعتدال‌گرا بود. ایشان در طول ده سال رهبری نظام اسلامی همچنانکه با تفکرات تفریطی به اسلام مانند نهضت آزادی که با ادعای روشنفکری دینی احکام مبین اسلامی را ناتوان از حضور در مدیریت جامعه می‌دانستند، مقابله نمودند، از سوی دیگر تفکرات افراطی که اندک پویایی و نوآوری را در چارچوب اندیشه فقهی اسلام پس می‌زدند و رد می‌کردند نیز مورد انتقاد و طرد جدی حضرت امام بودند. بنابراین اسلام مطلوب و آرمانی حضرت امام را میتوان در میانه دو نوع تفکر افراطی و تفریطی دانست.

در چارچوب اندیشه اسلامی امام (ره)، اسلام ناب محمدی خط اعتدال است در تقابل رویکردهای افراطی متحجرین و تفریطی متجددین به اسلام. از منظر امام هرگونه عدول از اسلام ناب خارج شدن از خط اعتدال و لغزیدن به سوی رویکردهای انحرافی است

- در دیدگاه امام خمینی با توجه به معیارها و موازین مزبور می‌توان به چند رهیافت کلی از اعتدال رسید که عبارتند از:
- اعتدال خصلتی فطری و گرایشی و از جنود عقل می‌باشد و این خصلت فطری می‌تواند در سه شکلی تجلی یابد.
 - اعتدال ملکه‌ای نفسانی و حالتی شهودی و درونی است.
 - اعتدال بیانگر وجود اعتدال، استقامت و فقدان افراط و تفریط است. و لذا اعتدال نافی ظلم و ظلم‌پذیری (انظلام) است.
 - اعتدال ویژگی جامعه و ابعاد و مقررات آن می‌باشد.

شاخص‌های اعتدال:

شکل‌گیری اعتدال بر بنیاد مبانی حکومت اسلامی:

تحقق اعتدال اجتماعی به‌عنوان یکی از اهداف بعثت انبیاء، نیازمند فراهم شدن مقدماتی است که روشنترین و ضروریترین مقدمه آن، تشکیل حکومت است. تلاش صادقانه و مستمر انبیاء و جانشینان آنان برای تشکیل حکومت، تنها ایجاد اعتدال اجتماعی در تمام زمینه‌ها بوده است. آنان به دنبال ریاست، فزون‌طلبی و رفاه و آسایش دنیوی شخصی نبودند، و حکومت برای آنان هدف نبود، بلکه آن را ابزاری برای اجرای قانون و احقاق حق محرومان می‌دانستند: «انا ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط»

بی شک اولین گام در تحقق اعتدال اجتماعی، تشکیل حکومت و به دست گرفتن قدرت سیاسی جامعه به عنوان بستری برای تحقق اعتدال اجتماعی است: رسول خدایی که سالهای طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای اینکه اعتدال ایجاد بشود (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۶).

تحقق هر ایده‌ای از جمله اعتدال اجتماعی در هر مکتبی، برنامه و راه و روشی را می‌طلبد. در مکتب سیاسی حضرت امام، برنامه منحصر برای تحقق اعتدال اجتماعی، اجرای دقیق احکام اسلام و پایبندی واقعی به آن است: قوانین اسلام اگر عملی شود، حاصل آن، اعتدال اجتماعی است، بدون آنکه مفاسد سایر سیستمها را داشته باشد (صحیفه امام، ج ۵، ص ۷۲).

اسلام ناب امام خمینی (ره) در مقابل تفکرات افراطی و تفریطی

امام (ره) بعنوان یک اسلام شناس برجسته نگرشی جامع به اسلام داشتند، ایشان از سویی نگرش های افراطی اسلامی را که یا چهرهای خشن از اسلام را معرفی می کنند یا توانایی انطباق با نیازهای جدید جامعه مسلمانان را ندارند و یا معتقد بودند اسلام اساساً فراتر از دستوراتی در حیطه زندگی فردی نمی رود، کاملاً نفی و طرد می نمایند. ایشان از سویی دیگر با تفکرات تفریطی سکولار و غربزده ای که توانایی اسلام را در اداره امور جامعه انکار می کردند نیز به مقابله پرداختند. نگرش امام (ره) به اسلام نگرشی جامع است، نگاهی اعتدالی به اسلام که توانایی نظام سازی و اداره جامعه را دارد.

امام خمینی (ره) همواره در طول نهضت اسلامی و همینطور پس از تاسیس نظام اسلامی با این دو نگرش افراطی و تفریطی مرزبندی قاطعی داشتند. ایشان در طول ده سال رهبری نظام اسلامی هچنانکه با تفکرات تفریطی به اسلام مانند نهضت آزادی که با ادعای روشنفکری دینی احکام مبین اسلامی را ناتوان از حضور در مدیریت جامعه می دانستند مقابله نمودند، از سوی دیگر تفکرات افراطی که اندک پویایی و نوآوری را در چارچوب اندیشه فقهی اسلام پس می زدند و رد می کردند نیز مورد انتقاد و طرد جدی حضرت امام بودند. بنابراین اسلام مطلوب و آرمانی حضرت امام را میتوان در میانه دو نوع تفکر افراطی و تفریطی دانست.

اعتدال رویکردی برای وحدت اسلامی:

بر اساس شمای مفهومی این مفهوم است که سپهر مکتب امام خمینی ترسیم می‌شود سپهری به گستره تمامی مسلمانان جهان و امت اسلامی. بر اساس غنای مفهومی همین اصطلاح است که امام خمینی «با توجه به مشترکات بسیار میان شیعیان و اهل تسنن در اصول و فروع کلیدی و مهم دین و اختلافات در برخی از فروع دینی، جهان اسلام را به مثابه یک نظام واحد، یکپارچه و منسجم تلقی می کند که دارای خدای مشترک و واحد، پیامبری مشترک، اعتقاد به معاد و روز جزا، قیله واحد، اعتقاد به نماز و روزه، حج و... می باشند. برخی از اختلافات فکری و اعتقادی نمی‌تواند آنان را از رسیدن به وحدت استراتژیک سیاسی منع نماید» (فولادی، ۱۳۸۷، ص ۸۲).

امام خمینی در تفسیری کامل تر، هدف محتوای اسلام را برپایی وحدت بیان می دارند: «ما می خواهیم به همه ملت ها بفهمانیم که اسلام یک دین وحدت است، یک دین برابری است، دین برادری است. هیچ یک از قشرهای او بر دیگری تفوق ندارد مگر به

تقوا» در بیانی دیگر وحدت در گفتمان امام خمینی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و در سراسر جهان اسلام است، به گونه ای که در نهایت، نوید بخش تشکیل امت واحد اسلامی باشد.

بر اساس معنای مفهوم وحدت امت اسلامی، امام خمینی می‌تواند مردم مسلمان جهان را به یکپارچگی و وحدت در برابر حاکمان جور و دشمنان اسلام دعوت نمایند: «ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۸۳).

اعتدال در سیاست خارجی: نفی سلطه جویی و نفی سلطه پذیری

از دیگر حوزه‌هایی که عملکرد امام خمینی (ره) مظهر و تبلور اعتدال است، عرصه‌ی سیاست خارجی است که با توجه به شرایط کنونی جامعه‌ی ایران نیز دارای اهمیت فرلوانی است. ایشان در مقابل سیاست خارجی که رژیم پهلوی داشت و همچنین در مقابل سیاست مسامحه‌گرانه و ضعیفی که بعد از انقلاب بعضی از گروه‌ها معتقد به آن بودند، سیاست خارجی را سرلوحه‌ی کار خویش قرار داد که عین اعتدال بود و منافع حداکثری را برای اسلام و مسلمین تأمین مینمود. در این حوزه، همانند سایر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، امام اصل اساسی را اسلام قرار داد و گام‌های خود را طبق صراط مستقیمی برداشت که خداوند به‌عنوان خط اعتدال هدایت مردم فرورستاده بود. ایشان عمل برطبق اسلام و ایستادگی و پایداری بر اصول اساسی آن را عین اعتدال می‌دانست.

نگرش امام خمینی در عرصه سیاست خارجی ایشان را می‌توان به نوعی آرمانگرایی واقع بینانه دانست. رویکردی که در عین این‌که آرمانهای انقلابی و عادلانه را پی می‌گیرد در عین حال توجه به منافع ملی نیز دارد. در چارچوب نگرش حضرت امام اعتدال در سیاست خارجی مترادف با سلطه‌پذیری نیست. بر مبنای نگاه امام سلطه‌پذیری عین خروج از اعتدال است. ایشان با درکی صحیح از مناسبات ناعادلانه بین المللی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری هر دو را مسیر افراطونفریطی دانستند.

از منظر امام راه میانه و اعتدال بین آنها داشتن روحیه انقلابی برای ایستادن در برابر استعمار و استبداد و در عین حال رعایت اعتدال در منصب قدرت است. لذا مشی سیاست خارجی حضرت امام (س) را باید رویکردی اعتدالگرا دانست. رویکردی که در چارچوب اصول سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی متجلی و متبلور است. مقام معظم رهبری در تبیین مواضع و دیدگاههای حضرت امام به دو ویژگی سیاست خارجی ایشان اشاره می‌کنند که حاکی از پیوند عقلانیت و آرمانگرایی در نگرش ایشان است.

اعتدال مبتنی بر عقلانیت سیاسی:

امام خمینی (ره) در کلیه مسائل، مشکلات و چالش‌ها، قانون و توجه به عقلانیت سیاسی را سرلوحه کارها قرار می‌داد و بر این باور بود که طبق قانون، همه باید در صلح باشند. به‌گونه‌ای که امام (ره) می‌فرماید: "دولت اسلامی با همه ملت‌ها و با همه

دولت‌ها می‌خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد، در صورتی که آن‌ها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند" (صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۸).

برخورداری تمام اقشار از حقوق برابر:

با دقت در آثار امام استنباط می‌گردد که در اندیشه امام برقراری و تحقق اعتدال از یک طرف و رفع محرومیت و تأمین نیازهای اساسی همه اقشار و افراد جامعه خصوصاً طبقات مستمند و کم‌درآمد از طرف دیگر، از یک قالب کلی و یک نگاه یکسان برخوردار می‌باشد. به عبارت دیگر هسته مرکزی تفکر امام خمینی پیرامون تعریف مسأله اعتدال را در مفهوم «برابری» و «تأمین نیازهای اساسی» تشکیل می‌دهد. ایشان بر اساس تفکرات اصیل اسلامی اولاً به برابری انسانها قائل بوده و ثانیاً تأمین نیازهای اساسی افراد و طبقات مختلف جامعه را جزء حقوق انسانی و لازمه رشد و تعالی معنوی‌شان قلمداد می‌نمایند. بنابراین می‌توان بیان نمود که ایشان اعتدال را به معنای «برابری فرصتها جهت تأمین نیازهای اساسی افراد و طبقات مختلف جامعه» مدنظر قرار داده‌اند. لذا جهت‌گیری و تأکیدات امام خمینی پیرامون بهبود شرایط زندگی افراد محروم و تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه بر پایه اندیشه عدالت، در تفکر ایشان قرار دارد (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۴۸).

اعتدال اجتماعی برآیند عمل بر اساس قانون:

وجود نظم و انضباط در جوامع مدنی امری حیاتی است و قانون، وسیله‌ی ضروری برای این مهم است. قانون در ایفای چنین نقشی آنگاه کارایی دارد که همگان به ویژه مسوولین حکومت در هر رده‌ای خود را ملزم به رعایت آن کرده و کارهای خود را بر آن منطبق سازند:

آنهایی که متعهد هستند و علاقمند هستند به این انقلاب و اعتقادشان این است که ما منقلب کردیم یک رژیم ظالم را به یک رژیم عادل، باید همه‌ی قشرها روی موازین عدل اسلامی رفتار کنند و هرکسی خودش سر خود نباشد که هرچه دلش بخواهد بکند (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۹۲).

وقتی قانون و حکومت مبتنی بر قانون وجود داشته باشد، نهایی‌ترین تأمین کننده عدالت، عمل به قانون خواهد بود. قانون هنگامی ارزشمند است که به آن عمل شود. امام عمل به قانون را عاملی برای از بین رفتن اختلافات و ایجاد برابری می‌داند.

رویکرد اعتدالی حاکمان و مدیران:

رکن رکین برپاکننده اعتدال اجتماعی، حاکم است که در اسلام و منطق نبوی و علوی، همه کارگزاران اعم از مجریه، مقننه و قضایه تحت فرمان اویند. از نگاه دین، حکومت به‌عنوان امانتی در دست حاکمان است، نه وسیله آب و نان، از این رو، امام علی (ع) می‌فرماید: «وَأَنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» (نهج البلاغه، نامه ۵).

تنها قانون عادلانه برای تحقق اعتدال اجتماعی کافی نمی باشد، قانون وقتی مفید است که مجریان عادل داشته باشند. از این رو هیئت حاکمه و مدیران نظام در بخشهای مختلف حکومت، اعتدال را سرلوحه کار خود قرار دهند و در اجرای وظایف خود طبق قانون رفتار نمایند، از خودسری و اعمال سلیقه های شخصی که منجر به تبعیض و بیعدالتی می گردد خودداری نمایند.

برخورداری تمامی اقشار از رفاه و زندگی صحیح:

یکی از حقوق شناخته شده هر شهروندی با هر کیش و مذهبی، برخورداری از زندگی توأم با رفاه صحیح و آبرومند است، که بتوانند با آسودگی خیال به زندگی خود ادامه داده و دغدغه قوت لا یموت روزمره را نداشته باشد: همه اقشار ملت در جمهوری اسلامی باید در رفاه باشند، ما کوشش داریم که تمام قشرهای ملتمان در رفاه باشند (صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۲۵).

امام خمینی با تأکید بر تأمین مایحتاج و ارزاق عمومی برای همه اقشار، یکی از مهمترین وجوه محرومیتها را عدم برخورداری از خدمات عمومی نظیر آب، برق، جاده و... عنوان نموده بیان می کنند «این عایدات نفت که باید صرف خود مملکت بشود، صرف این فقرایی که در مملکت هستند بشود، اینها برای اصلاً برق و آسفالت و اینها در خود تهران تمام نشده، برق و آسفالت و آب که یک چیزهای اولی است.» و بهره مندی از آنها را بعنوان نیازهای اساسی افراد و اقشار جامعه خواستار شده اند.

نتیجه گیری:

با توجه به مبانی اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) به وضوح روشن می گردد که اساساً انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران برشالوده تفکر اعتدالی به اسلام شکل گرفته است. در واقع مفهوم اعتدال نه مفهومی نوین و نه مفهومی بیگانه در چارچوب مبانی فکری نظام ما است بلکه عنصر اعتدال را حضرت امام (ره) بواسطه معرفی اسلام ناب در ذات تفکر انقلاب اسلامی نهاده است. لذا در شرایط امروز جامعه ما اعتدال چیزی جز پیروی از خط امام و رهبری، و پرهیز از افراط و تفریط و حرکت در مسیر اسلام ناب و انقلاب اسلامی نخواهد بود. بنابراین تفسیر صحیح و اصولی از این مفهوم حتماً مسیر تکاملی را برای نظام و انقلاب اسلامی رقم خواهد زد. امام از مفهوم اعتدال برای تصحیح روابط اجتماعی و طبقاتی جامعه و برای اصلاح جامعه و در حقیقت ایجاد یک نظم اجتماعی فراگیر و پایدار در جامعه سود می جوید. و این نشان دهنده میزان توجه امام به مفهوم اعتدال اجتماعی و اهمیت آن برای امام خمینی است.

در مکتب سیاسی حضرت امام، تحقق اعتدال اجتماعی هدف غایی و نهایی نبوده و هدفی متوسط برای رسیدن افراد جامعه به کمال معنوی و انسانی است. در مکتب سیاسی حضرت امام، با الگو پذیری از اعتدال اجتماعی مطرح در حکومت های پیامبر (ص) و امام علی (ع)، عملی شدن و تحقق اعتدال اجتماعی، لوازمی نظیر از بین بردن فقر و تهیدستی؛ فقدان شکاف در سطح معیشت جامعه؛ ایجاد رفاه برای همه اقشار؛ از بین بردن ظلم و جور؛ اعتدال در عرصه برخورد قانون با افراد؛ اصل ساده زیستی، نفی تشریفات و تجملات بویژه در نزد مسئولین؛ رشد همه جانبه استعداد های تمام افراد جامعه و ضایع نشدن آنها و موارد متعدد دیگری را می طلبد.

منابع:

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۷). ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۵). صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۷۹)، "ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی قدس سره"، پژوهشنامه متین، شماره ۹.
- جمشیدی، محمدحسین و ایران‌نژاد، ابراهیم (۱۳۹۰). عدالت اجتماعی، اندیشه امام (ره)، روزنامه اطلاعات، شنبه ۲۱ خرداد.
- حیدری، حمید (۱۳۸۰)، تأملی در مفهوم ولایت مطلقه رهبر در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، نشریه علوم سیاسی، شماره ۳۸.
- خامنه ای (آیت الله)، سیدعلی (۲۰ آبان ۱۳۸۳). بیانات در دیدار با اعضای دولت، قابل دسترسی در: www.hawzeh.net/fa/articleview/64352?ParentID=59842
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹)، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- دهقانی فیروزآبادی سیدجلال الدین (۱۳۹۳). گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۱.
- روحانی، حسن (۴ مهر ۱۳۹۲)، سخنرانی در اولین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره خلع سلاح هسته ای، قابل دسترسی در: <http://www.president.ir>
- قوایی، مسعود، قنبری، سیروس (۱۳۸۵). «عدالت، اشتغال و امنیت اجتماعی». ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره سوم و چهارم.
- نامدار، مظفر (۱۳۸۳). "امام خمینی، انقلاب اسلامی و شالوده شکنی گفتمان‌های رسمی در حوزه سیاست (۲) تحول مفاهیم و پیش فهم‌های معرفتی و تاریخی"، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۲.